

## پیرامون کتاب "چریک های فدایی خلق"

Tue 14 10 2008

چندی پیش، از سوی "موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی" که نهادی وابسته به جمهوری اسلامی است، کتابی تحت عنوان "چریک های فدایی خلق" انتشار یافته و در آن، از جنبش فداییان خلق ایران در فاصله زمانی شکل گیری این جنبش تا بهمن ماه ۱۳۵۷، یک تصویر تاریخی ارائه شده است. اگرچه نویسنده این کتاب شخصی با نام آقای محمود نادری معرفی شده است، اما سابقه "موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی" و اتکای اثر منتشره به اسنادی که در مالکیت انحصاری وزارت اطلاعات قرار دارند، نشانه ای است بر این گمان که کتاب مهر حکومت بر خود دارد.

ما به نام دو سازمان از تبار چریک های فدایی خلق ایران، به خاطر مسئولیتی که در قبال گذشته خویش و پاسداشت حیثیت فداییان جانباخته داریم؛ بنا به وظیفه ایی که برای خود در جلوگیری از تحریف و تخریب تاریخ چپ و جنبش فدائی قائلیم؛ و در عمل به مسئولیت مان در قبال امر دموکراسی امروز ایران که شفافیت در تاریخ نویسی و تاریخ گوئی دپروز از الزامات آن است؛ تاکید و تصریح پاره ای موارد پیرامون نفس انتشار کتاب "چریک های فدایی خلق" و نیز اشاراتی چند به مفاد این اثر را ضروری می دانیم:

\*راه آینده از تجربه دپروز می گذرد و این خود، محتاج پرتو افکنی بر راه طی شده و نقد آن است. ما پشتیبان نقد جریان های سیاسی هستیم و بر آنیم که نهضت کنکاش در عملکرد گذشته همه جریان های سیاسی سازنده تاریخ معاصر ایران، پاسخی است به ضرورت سیاسی، فکری و فرهنگی روز که می باید هرچه بیشتر گسترش یابد. ما هر بازخوانی تاریخ را به پیشواز می رویم، حتی اگر کژخوانی تاریخش بیابیم و ولو آنکه آن را در خدمت خصومت ورزی های سی ساله حکومتی بدانیم. پس، نخستین سخن ما در رابطه با این

کتاب، کتابی که مصداق تاریخ نگاری به شیوه گزینش داده های تاریخی و وقایع اتفاقیه، نور پردازی های حساب شده روی گوشه هایی نا روشن از تاریخ، و خوانش جهت گیرانه تاریخ به سود قدرت است، همانا اعلام استقبال مان از انتشار آن است! ما تاییده شدن نور - ولو کج- بر تاریکی های تاریخ را بارها بهتر از مدفون ماندن اسناد تاریخی در بایگانی های وزارت اطلاعات می دانیم و شل شدن قفل های آویزان بر در اسناد تاریخی، حتی در همین حد را روزنه ایی به سوی حقیقت یابی و روشننگری ارزیابی میک نیم. مسئولیت تصحیح و تدقیق این تاریخ نگاری اما به عهده آنانی است که یا خود به طور مستقیم در شکل گیری این تاریخ سهم داشته یا آن را از آن خود می دانند.

\*ما اذعان داریم که تاریخ نگاری کشور ما، در زمینه تاریخ جنبش فداییان خلق، با خلاء بزرگی روبرو است و نسل جوان کشور در رابطه با این جنبش، با تاریخ نا نوشته و یا دست کم، تاریخی کمتر مدون مواجه است. مسئولیت این کمبود بزرگ هم بر عهده همه بازماندگان آن جنبشی است که متاسفانه بخش اصلی و بیشتر رهبران و کادرهای آن جان بر سر رویش و مانایی آن گذاشتند و اکنون دیگر در میان ما نیستند. اما این معدود بازماندگانی هم که خود را در برابر واگویی روزگار سپری شده مسئول می دانند، سخت از کمبود مدارک و اسناد تاریخی جنبش خویش در رنج اند. زیرا که بخشی از این اسناد از بین رفته اند، یک بخش که در اختیار ساواک بود اکنون در اختیار وزارت اطلاعات است که جز محارم کسی را امکان دسترسی به آن ها نیست، یک بخش هنوز هم متاسفانه فقط ثبت سینه هاست و تنها یک بخش است که به شکل خاطره نویسی پراکنده انتشار یافته است. در چنین شرایطی است که "موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی" با داشتن مالکیت انحصاری بر میراث ساواک، برای این جنبش تاریخ نشر می دهد. اسنادی که، قسمت عمده آن ها ورقه های بازجویی فداییان خلق هستند که زیر تازش تازیانه ها نوشته و امضاء شده اند و از ای نرو هم، نه اعتبار تاریخی و نه اعتبار حقوقی دارند. نویسنده کتاب در مقدمه، در زیر تیتیر "اسناد چه نسبتی با حقیقت دارد" اعتماد کامل خود را به اوراق بازجویی اعلام کرده و تا جایی پیش رفته است که آن ها را حقیقت محض پنداشته است. در حالیکه ورقه های بازجویی نه دربرگیرنده تمام حقایق است و نه ساواک از تمام حقایق اطلاع داشته است. "موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی" با انتشار این کتاب، بدعت تازه ای را در تاریخ نویسی بنا نهاده است. بدعت تاریخ نویسی بر پایه اوراق بازجویی و پرونده های ساواک. در حالی که تاریخ نویسی بر اساس بازجویی ها، با ابتدائی ترین ملزومات تاریخ نویسی هم مغایر است. نویسنده کتاب در عین حال در جاهائی، بر اساس اوراق بازجویی ها و پرونده های ساواک به تحلیل و قضاوت نشسته است که به غایت ناعادلانه، غیرواقعی و غرض

وزانه است. بدین سان است که نیاز مطلوب آگاهی به تاریخ و کار پژوهشگرانه در مورد جریان های سیاسی، در این کتاب پاسخی ناپسند می یابد!

\* ما متعرض حق تاریخ نویسی هیچ کس نیستیم؛ حتی آن که قصد تعرض به تاریخ ما را دارد! ما، نیروی نقد و مدافع نقدیم و خود، با سلاح نقد علیه هر نوع اختناق، سانسور و جعل و تحریف عمل می کنیم، به جد مدافع فرهنگ نقد در جامعه هستیم و تلاش می ورزیم تا که روش و رفتار نقد در جامعه سیاسی ما نهادینه شود. ولی ما، نابرابری در میدان نقد را همانند هیچ نابرابری دیگر، بر نمیتابیم. ما، علیه انحصار اطلاعاتی از جمله مالکیت انحصاری بر دادهها و اسناد تاریخی هستیم و عیار سنجش اعتبار هر نقد تاریخی را از جمله و پیش از همه در آن می دانیم که مستندات مورد نقد آن در دسترس همگان باشد. و کتاب "چریک های فدایی خلق"، درست یکی از مصادیق انحصار اطلاعاتی است. وزارت اطلاعات این حکومت حتی سی سال پس از سقوط رژیم شاه نیز حاضر نیست اسنادی را که در آنها رفتار ساواک علیه فدائیان خلق و دیگر مبارزان آن دوره منعکس و ثبت است، در اختیار همگان بگذارد. این حکومت که در سرکوب خونین فداییان خلق در دهه خون و جنایت شصت به تجربه سرکوبگری ساواک متکی بود، اینک دست اندر کار سوء استفاده از مالکیت انحصاری اسنادی است که از ساواک به ارث برده است. مأموریت دادن به گروه یا فردی برای دستچین کردن داده های تاریخی از میان این میراث - و عمدتاً در بر گیرنده اوراق بازجوئی ها زیر شکنجه های سبعانه - جهت ارائه تفسیری دلخواه و یکسویه از برآمد و کارکرد یک جنبش، نه تاریخنگاری، که می باید مظهر تعویض تاریخ تلقی شود؛ این، تاریخ گوئی منصفانه نیست، تنها رفتن به سراغ قاضی تاریخ است تا که بدین طریق، هدف سیاسی نگار حکومتی برآورده گردد.

\* ما اعلام می داریم که هم تاریخ نگاری و هم نقد تاریخ های نوشته شده، وظیفه و کار مورخان و محققان است تاریخ نویسی از سوی دولت ها و احزاب سیاسی، قطعاً با شائبه برخورد گزینشی آن ها با فاکنهای تاریخی همراه میشود و مسلماً - با واسطه یا بی واسطه - زیر تاثیر مصالح سیاسی روز آن ها قرار می گیرد؛ و روشن است که چیدمان خود خواسته داده های تاریخی و گره خوردگی ناگزیر تعبیر تاریخ با منافع سیاسی، متباین با فهم حقیقت دیروز و مانع از درک جوهر تاریخ است. کتاب "چریک های فدایی خلق" منتشره از سوی "موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی" نمونه ای برجسته از امتزاج و اختلاط تاریخ و سیاست و نشانه دیگری از محبوس کردن تاریخ در حصار سیاست است. بر پایه چنین باوری است که خود نیز حاضر نیستیم به مثابه سازمان سیاسی، به نقد این "اثر تاریخی" بنشینیم. ما یقین داریم که فعالین جنبش فدائی همت خواهند کرد تا با هدف جدا سازی سره از ناسره و پالودن حقایق تاریخی از دعاوی دروغین، در جهت نقد این کتاب و گذراندن آن از صافی اطلاعات صحیح برآیند و با روشننگری هایشان، مانع از شلتاق ها در تخریب گذشته جنبش فداییان خلق شوند.

\* اجتناب اصولی ما در پرهیز از رویکرد حزبی به تاریخ نگاری و یا نقد تاریخ نگاشته شده، اما نه تنها مانع از آن نیست که نسبت به اتهامات مطرح شده در کتاب "چریک های فدایی خلق" - و این جا دستکم در باره پاره ای دعاوی واهی و دور از هرگونه انصاف - ساکت نباشیم، بلکه خود را موظف می دانیم تا در حد تکذیب جعلیات هم که باشد، اشاره وار بگوئیم که:

- سازمان ما به هیچ کشور وابسته نبوده است. القاء وابستگی چریک های فدایی خلق به خارج، اتهام بی پایه ای است که این کتاب با استفاده از ترفندهای نوشتاری، به آنان وارد کرده است. همگان، از هواخواه تا بدخواه جنبش چریک های فدایی خلق، هرگز در خودبودگی این جنبش شک نکرده اند و مستقل بودن چریک فدایی خلق را همواره اصل ترین و اصلی ترین خصلت آن دانسته اند.

- نویسنده آگاهانه و عامدانه از جنبش فدائی چهره "گانگستریسم" ساخته است. ارایه چهره "گانگستریسم" از جنبش فدایی خلق در این کتاب، نشان از عدم پابندی نویسنده به وجدان تاریخی دارد. جنبش فدائی برآمده از کار سیاسی و فرهنگی گروه های مختلفی است که این جنبش را پی ریختند. هفت سال پیکار چریکی، نمونه های پرشماری در خود ثبت کرده است که جملگی نشان می دهند که در لحظه آزمون شرف، چریک فدایی دست به انتخاب مرگ می زد تا مبادا که بر همراه شناس یا رهگذر ناشناس، گزندی وارد آید.

- القاء دیگر کتاب اینک، هر چه از عمر حرکت چریکی می گذشت، گویا نظامی گری در آن تشدید می شده است. این ادعا هیچ سنخیتی با واقعیت ندارد و کاملاً خلاف مسیر طی شده توسط جنبش چریکی است. بررسی منصفانه روندها نشان می دهد که این جنبش رادیکال، مدام در سمت تاکید بر کار سیاسی و درآمیزی با مبارزه مردم تکامل یافت و در مسیر مقابله قهر آمیز خویش با قهر رژیم شاه، از تقدیس سلاح به مثابه استراتژی تا نگاه به آن همچون وسیله دفاع از خود، طی طریق کرد.

- این کتاب، نسبت به برخی از جانباختگان فدایی، به ویژه رفقای کارساز و دارای نقش کلیدی در جنبش ما و مخصوصاً زنده یاد رفیق حمید اشرف، خصومت خاصی ورزیده است و در مورد این دیرپاترین رهبر در طول هفت سال مبارزه چریکی، متوسل به انواع اتهامات شده، بی آن که آن ها را مستند کند. این کتاب در مورد حمید اشرف اسطوره شکنی نمی کند- که برای توصیف واقعی تاریخ، بسیار هم به اسطوره زدائی نیاز است!- بلکه او را می کوبد تا که این جنبش را بزند. حمید اشرف نه اسطوره که سمبل فدایی خلق بود و مانند خود این جنبش، چون در کار اقدام بود مرتکب خطا هم می شد.

- در این کتاب، به شیوه رندانه و با استفاده از تبحرهای امنیتی، پردازش به نقش و جایگاه کادرهای این جنبش بدان گونه آرایش یافته است که الزامات این پروژه تاریخ نگاری ایجاب می کرده اند! سیاه نمایی برخی از چهره ها، گذشتن سرسری از کارکرد بعضی کادرهای نام آور، سکوت پیرامون مقاومت های حماسی فداییان در شکنجه گاه ها که حتی "تهرانی" - از سر بازجویان جلاد آن زمان- در جریان محاکمات پس از انقلاب ناگزیر از اشاره به موارد معدودی از آن ها شد. در برابر اما، بزرگ نمایی این یا آن ضعف انسانی در طول هفت سال نبرد نابرابر و سخت طاقت فرسا و این یا آن ناخالصی استثنایی در این پدیده زمینی و سرانجام، تحریر تاریخ چریک فدایی خلق در قالب سناریوی سخیف "لو دادن ها"، از مشخصه های این کتاب هستند.

- این ها و مواردی دیگر از این دست، نشان می دهند که ناشرین، تاریخ نشر داده اند تا تاریخ خوانان این نسل، تاریخ نسل های پیشین را آن گونه بخوانند که حکومت می خواهد. برخورد این چنینی کتاب، حتی باعث می شود که خواننده کمتر بتواند در برخورد نقادانه با گذشته چریک های فدایی خلق بر یک رشته انحرافات و اشتباهات آن ها که در این کتاب هم مطرح شده اند، درنگ ورزد و تامل کند.

\*پیش از این گفتیم و باز تکرار می کنیم که اسناد بایگانی شده در هر کشور، جزء تاریخ مردم آن کشور است، به عموم ملت تعلق دارد و میراثی است ملی، که همگان - بی هیچ استثناء - حق رویت شان را دارند و محق تفحص در این اسنادند. در کشورهای مبتنی بر دموکراسی، این حق حتی صورت قانونی بر خود می گیرد و در شکل قانون و آئین، تعریف و تصریح می شود. در دموکراسی ها، از طریق وضع مقررات معین، دسترسی آزادانه همه مردم به اسناد ملی تا آن جا تضمین می گردد که برای محرمانه ماندن اسناد دولتی سقف زمانی تعیین می شود و دولت ها وظیفه می یابند تا در موعد معین، دست به انتشار آن ها بزنند. اما حکومت جمهوری اسلامی، شهروندان ایران را مانند بسیاری دیگر از موارد حقوق بشر، از این حق دسترسی به اطلاعات هم محروم کرده است که بتوانند به تاریخ خود مراجعه کنند و در کنکاش تاریخ خویش آزاد باشند. سی سال از فوت سلطنت در ایران می گذرد، ولی اسناد آرشیو شده در بایگانی های امنیتی آن رژیم، همچنان در سردخانه های جمهوری اسلامی منجمد مانده اند. تنها محل و مورد استفاده آن ها در این مدت نیز، صرفا بهره گیری دیروزین ماموران اطلاعات حکومت جمهوری اسلامی از تجربه پلیس شاه در سرکوب مخالفان بوده و بهره برداری امروزین تاریخ نویسان وابسته به همین حکومت، در تحریف تاریخ مبارزان آن زمان و تاریخ سازی به نفع آن هایی که سوار بر مرکب قدرت اند.

ما اعلام می کنیم که این حق همه ایرانیان است که امکان دسترسی به همه اسناد پیش از انقلاب و دوره پهلوی ها را داشته باشند و این وظیفه بی درنگ مسئولان جمهوری اسلامی است که دست از عناد سی ساله شان بردارند و بر این تاخیر مطلقا غیر قابل توجیه، پایان دهند. ما یک بار دیگر و همین جا، هم صدا با همه آنان که خواهان باز شدن تمامی پرونده های آن دوره به روی علاقمندان به مطالعه تاریخ و آگاهی از گذشته هستند و با تاکید بر حقانیت تعلق همه اسناد کشور به عموم مردم - همچون میراثی ملی - خواستار انتشار آنها از سوی جمهوری اسلامی هستیم.

\* و در این سخن مشترک، لازم است که بگوییم:

- ما خود کنشگر و حامی نقد عمیق و منصفانه جنبش مسلحانه هستیم. همان گونه که خود در گذر از راهی طولانی و پر پیچ و خم، با پای بندی به آرمانهای بنیانگذاران جنبش فدائی، یعنی آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم، از سازمانی سیاسی- نظامی به سازمان های سیاسی طی طریق نموده ایم.

- کتاب منتشره علیرغم کوشش های بسیار ظریف و حساب شده ناشران آن در توصیف تحریف آلود روند های حیات ما در دوره پیش از انقلاب و به رغم نگاه منفی کتاب به تاریخ چریک های فدایی خلق، باز آئینه ایی شده است- ولو کدر- که در آن تلاش های تحسین برانگیز جوانان آرمانخواه، پرشور و از جان گذشته نسل آن زمان بازتاب یافته است. جوانانی که، همه هستی خود را نثار راه یابی برای رسیدن به آزادی و عدالت اجتماعی مردم خویش کردند. نسلی فروتن، که از بلند همتی اش سخن نمی گوید، اما پذیرنده همه مسئولیت ها، ناکامی ها و خطاهای خویش می شود. در جابه جای این کتاب، در میان صفحات، سطور و حتی در ورای ابهام گویی های کلامی آن، به روشنی می توان دید که در تاریخ معاصر ایران، در موضوع وحدت گفتار و کردار، صداقت در رفتار و مایه گذاری برای آرمان، کم تر نمونه ایی به شفافیت و زلالی فدایی خلق سراغ می توان یافت. هم از این روست که جمهوری اسلامی همان اندازه می تواند در خیال خود مبنی بر نابودی فیزیکی و سیاسی جنبش فداییان خلق - در پی آن همه کشتار و زندان - سیر کند و خشت خام زند که گمان بدارد با استناد گزینشی به اسناد انحصاری اش، خواهد توانست تاریخ ما را جعل کند، آن را وارونه جلوه دهد و به تباهی اش برخیزد.

\* در پایان اما پاسخ به این سوال را ضروری می دانیم که چرا حکومت با دست چینی از اسنادی که سی سال مخفی نگهداشته شده بود، در صد تاریخ نگاری برای جنبش فدائی برآمده است:

واقعیت این است که هدف و سیاست رژیم نابودی چپ و حذف آن از صحنه سیاسی کشور است. حکومت سال ها تلاش کرد نام فدائی و اندیشه های سوسیالیستی آنان در جامعه مطرح نشود. حکومت نگران آن بود که بینش و مبارزات فدائیان الگوی جوانان برای شکستن خفقان مذهبی حاکم بر جامعه قرار گیرد. این سیاست شکست خورده و امروز با وجود تمام بگیر و ببندهای حکومت، چپ سوسیالیست به عنوان نیروئی مستقل برآمد کرده و نفوذ خود را در جنبش های اجتماعی و به خصوص دانشجویان، گسترش داده است. دانشگاه دوباره به سنگر چپ تبدیل شده ولی مبارزات چپ امروز، نه چریکی- سیاسی، که مبارزه ای سیاسی و همگام با نیروهای اجتماعی است. این چپ اما در پی شناخت ریشه و تاریخ خود است. در پی آن است تا آن چه را شفاهی و از حافظه جامعه به او رسیده، مستند و مستدل دریابد، فراز و فرودهایش را بشناسد، محک بزند، به تجزیه و تحلیل اش نشیند و از دانش و تجربه نسل پیش از خود- نسلی که جمهوری اسلامی رابطه اش را با آن بریده- بهره گیرد، تا به کج راه و بی راه نرود. پس در این شرایط که با تمام تمهیدات رژیم، چپ دوباره در جامعه برآمد کرده، حکومت را چاره دیگری نیست جز آن که منابع و اطلاعات را سانسور کند و تاریخ را به سیاق خود بنویسد تا به زعم خود، آگاهی را محصور و محدود کند. در این شرایط است که کتاب "چریک های فدایی خلق" از سوی "موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی" که نهادی وابسته به جمهوری اسلامی است نشر می یابد. با انتشار این کتاب، حکومت بر آن است تا اگر نتواند نسل جدید چپ در ایران را از راه باز دارد، ذهنیت منفی نسبت به گذشته چپ را در ذهنیت آنان شکل دهد. اما نایاب شدن سریع چاپ اول این کتاب، خود نمود گستردگی طیفی است که در پی آگاهی از جنبش فدائی و تاریخ آنند و نشان می دهد که نسل جدید چپ در ایران پا بر زمین سفت کرده و از میان همین تاریخ تحریف شده، با تمیز سره از ناسره، توشه لازم را برخواهد گرفت.

هیئت سیاسی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - کمیته مرکزی سازمان اتحاد فداییان خلق ایران